



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال سوم / شماره نهم / بهار ۱۳۹۳

ارزش محتوایی استانداردهای حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران

یحیی حساس یگانه

استادیار حسابداری دانشگاه علامه طباطبایی

محمود قربانی

کارشناس ارشد حسابرسی دانشگاه علامه طباطبایی (مسئول مکاتبات)
emperor.1390@yahoo.com

کیوان شعبانی

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۳۰

چکیده

در این پژوهش، ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری گزارش شده بر مبنای استانداردهای حسابداری ایران مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور با توجه به مبانی نظری و ادبیات موضوعی، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل بازده- سوداستون و هریس (۱۹۹۱) و مدل قیمت- سود آلسن (۱۹۹۵) مورد استفاده قرار گرفته است. از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۷۳ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۰ با توجه به محدودیت‌های موجود به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اطلاعات ارائه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری ایران دارای محتوای اطلاعاتی می‌باشد و ارزش محتوایی این اطلاعات در طی سال‌های مورد بررسی سیر یکنواختی نداشته است. همچنین اطلاعات گزارش شده مزبور، توسط شرکت‌های کوچک نسبت به شرکت‌های بزرگ دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری، استانداردهای حسابداری ایران، بازار تازه تاسیس.

۱- مقدمه

این پژوهش به بررسی ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری تهیه شده بر اساس استانداردهای حسابداری ایران توسط شرکت های فعال در بازار بورس اوراق بهادار تهران می پردازد. صاحب نظران معتقدند به دلیل تطبیق استانداردهای تدوین شده با شرایط اقتصادی و اجتماعی در هر کشور، گزارشهای مالی تهیه شده بر اساس آن استانداردها، افزایش سودمندی اطلاعات حسابداری را در پی دارد. بنابراین، انتظار می رود همانطور که در مقدمه استانداردهای حسابداری ایران هم آورده شده، رعایت استانداردهای حسابداری منجر به ارائه اطلاعات مفید جهت تصمیم گیری استفاده کنندگان و در نتیجه ارائه تصویری سودمند توسط صورت های مالی شود.

تحقیق بارس^۱ (۲۰۰۱) نشان داد که در شرکت هایی که سیستم حسابداری مناسبی دارند، ارتباط قوی تری بین قیمت سهام و سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم وجود دارد، زیرا سودی که کیفیت بالاتری داشته باشد، می تواند شرایط اقتصادی شرکت را بهتر منعکس کند. بر اساس تحقیقات اورت و واگنهورفر^۲ (۲۰۰۵) و بارس (۲۰۰۸) استانداردهای حسابداری که رفتارهای تصادفی را کاهش دهد منجر به گزارش سودی می شود که ارزش محتوایی بالایی دارد. هر چند استانداردهای حسابداری هم سو با IFRS است منجر به گزارش اطلاعاتی شود که کیفیت مطلوبی ندارد و اگر از عهده گزارش وضعیت اقتصادی و عملکرد شرکت برنیایند، ارزش محتوایی اندکی خواهند داشت (سادرستم و سان، ۲۰۰۷)^۳.

محققان اکثر کشورها هم غالباً به مقایسه ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری بر مبنای IFRS^۴ و GAAP^۵ آمریکا پرداخته اند. مطالعات انجام شده توسط بارس (۲۰۰۸)، بارتوف^۶ (۲۰۰۵) و لیو و لیو^۷ (۲۰۰۷) حاکی از این است که سود و ارزش دفتری هر سهم در صورتیکه بر اساس IFRS گزارش شود، نسبت به زمانیکه بر مبنای GAAP آمریکا گزارش شود، دارای ارزش محتوایی بیشتری خواهد بود. افزون بر آن بر اساس پژوهش های انجام شده توسط بارس (۲۰۰۸)، داسک^۸ (۲۰۰۸)، سادرستم و سان (۲۰۰۷) و علی و هوانگ^۹

(۲۰۰۰) بین استانداردهای حسابداری و عوامل خاص

کشور و منافع شرکت ها رابطه معنادار وجود دارد. بررسی ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری تهیه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری در یک بازار تازه تاسیس دارای جذابیت است، زیرا در چنین بازاری اطلاعات اندکی در اختیار سرمایه گذاران قرار می گیرد. در ایران پژوهش های زیادی در زمینه ارزش محتوایی اطلاعات ارائه شده در بورس انجام شده است اما در موارد اندکی به رابطه این اطلاعات با استانداردهای حسابداری مبنای آن و دستورالعمل های الزام به رعایت استانداردها و قوانین افشا پرداخته شده است. برخی از قوانین که شرایط خاصی را برای افشا الزام می نماید به شرح زیر است:

بر اساس ماده ۷ دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس که از دی ماه ۱۳۸۴ لازم الاجرا می باشد، ناشر بورسی مکلف است گزارش ها و صورت های مالی زیر را مطابق استانداردهای ملی و یا فرم هایی که توسط سازمان ارائه می شود، ظرف مهلت های مقرر تهیه و افشا نماید:

- صورت های مالی سالانه حسابرسی شده شرکت اصلی و تلفیقی گروه، حداقل ۱۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی عادی و حداکثر ۴ ماه پس از پایان سال مالی.
- گزارش هیئت مدیره به مجامع و اظهار نظر حسابرس در مورد آن، حداقل ۱۰ روز قبل از برگزاری مجمع عمومی.
- صورت های مالی میان دوره ای ۶ ماهه حسابرسی شده حداکثر ۶۰ روز بعد از پایان دوره ۶ ماهه و در مورد شرکت هایی که ملزم به تهیه صورت های مالی تلفیقی هستند، حداکثر ۷۵ روز پس از پایان دوره ۶ ماهه.

بر اساس ماده ۴ دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ناشر مکلف است صورتهای مالی را به گونه ای تهیه نماید که حسابرس و بازرس قانونی نسبت به آنها گزارش «عدم اظهار نظر» یا «مردود» ارائه ننماید.

بر اساس ماده ۲۵ دستورالعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تخلفاتی که

نتایجی قابل تاملی بدست می آید زیرا ارزش محتوایی اطلاعات مزبور در گروه های مختلف متفاوت است.

در این پژوهش از دو جنبه به ادبیات موضوع پرداخته شده است. نخست از طریق بحث در خصوص قوانین الزام آور در زمینه ارائه و افشا اطلاعات مالی در بازار بورس اوراق بهادار تهران و الزام به تایید حسابدار رسمی و دوم به بحث در خصوص ادبیات تحقیق در زمینه ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری در بازارهای نوظهور پرداخته شده است. سپس به آزمون ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری بازار بورس اوراق بهادار تهران پرداخته می شود که در حال حاضر حجم زیادی از سرمایه را به سمت خود جذب نموده است. بنابراین این پژوهش به بررسی تجربی ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری تهیه شده بر اساس استانداردهای ایران، روند تاثیرگذاری آن و در نهایت با در نظر گرفتن اندازه شرکت، تفاوت ارزش محتوایی اطلاعات در شرکت های مختلف بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می گیرد.

ادامه نگارش پژوهش به این صورت می باشد: قسمت دوم، به بررسی ادبیات موضوع و بیان مفروضات می پردازد. قسمت سوم، به بیان روش شناسی پژوهش و نحوه انتخاب نمونه می پردازد. قسمت چهارم، بیانگر نتایج تحلیل آماری است. و در قسمت پنجم، به بیان نتایج و پیشنهادات پرداخته خواهد شد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

۲-۱- تاریخچه بورس اوراق بهادار و سازمان حسابداری ایران

هر چند به عقیده بسیاری از صاحب نظران بورس اوراق بهادار تهران دارای پیشینه طولانی است، اما به دلیل ویژگی های خاص شرکت و رویدادهای مهم سیاسی و اقتصادی در طی هشت دهه اخیر باعث شده است که بتوان این بازار را در گروه بازارهای نوظهور قرار داد. لذا به عقیده گروه پژوهش بررسی مختصر رویدادهای رخ داده در طی سالیان گذشته می تواند در درک نتایج تجزیه و تحلیل آماری و یافتن علل عقب ماندگی این بازار در این سالهای مورد اشاره مفید واقع شود. به همین دلیل در این

موجب اخطار کتبی به ناشر و مدیران ارشد آن با درج در پرونده و اعلام به عموم می گردد، عبارتند از:

۱- تأخیر در افشای اطلاعات موضوع دستورالعمل افشا به شرح زیر:

۱،۱- صورتهای مالی سالانه حسابداری شده.

۱،۲- گزارش هیئت مدیره به مجامع و اظهارنظر حسابرس در مورد آن.

۱،۳- صورتهای مالی سالانه حسابداری شده شرکت های تحت کنترل.

۱،۴- صورتهای مالی میان دوره های ۶ ماهه حسابداری شده.

۲- ارائه گزارش «مردود» یا «عدم اظهارنظر» حسابرس / بازرس قانونی نسبت به صورت های مالی، به استثنای مواردی که به علت وقوع شرایطی خارج از حیطه اختیارات مدیریت شرکت، گزارش عدم اظهارنظر توسط حسابرس ارائه شده باشد.

۳- عدم کفایت سیستم های مالی و کنترل داخلی ناشر به تشخیص حسابرس / بازرس قانونی.

برای بررسی ارزش محتوایی اطلاعات مزبور به آزمون روابط بین اطلاعات حسابداری و اطلاعات بازار پرداخته شده است. در این پژوهش از دو مدل شناخته شده در ادبیات حسابداری استفاده شده است: (۱) مدل بازده-سود استون و هریس^{۱۰} (۱۹۹۱) و (۲) مدل قیمت-سود آلسن^{۱۱} (۱۹۹۵). همچنین از اطلاعات سالانه بر اساس رویکرد تعدیل شده فاما و فرنچ^{۱۲} (۱۹۹۲) بهره برده شده است. نتایج بیانگر وجود یک رابطه بین سطح سود و بازده شرکت های فعال در بورس اوراق بهادار تهران بود. همچنین مدل قیمت-سود شواهدی را در خصوص ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری فراهم کرد. در کل، شواهد نشان داد که در این بازار تازه تاسیس، اطلاعات حسابداری که بر مبنای استانداردهای حسابداری هم سو با استانداردهای بین المللی فراهم می شود، دارای ارزش محتوایی است. همچنین نتایج بیانگر این است که این رابطه در طول زمان دارای نوسان بوده است، به عبارت دیگر گزارشگری بر اساس استانداردهای هم سو با استانداردهای بین المللی تاثیر ثابتی بر ارزش محتوایی اطلاعات گزارش شده ندارد. همچنین در صورت طبقه بندی شرکت ها در گروه هایی با ماهیت های مختلف

قسمت به بررسی مختصر تاریخچه این بازار پرداخته می شود.

ایده اولیه ایجاد بورس اوراق بهادار در ایران به سال ۱۳۱۵ باز می گردد که به درخواست دولت ایران، شخصی بلژیکی به نام "وان لوترفلد" درباره تشکیل بورس اوراق بهادار در ایران بررسی هایی انجام داد و طرح قانونی تأسیس و اساسنامه آن را نیز تهیه نمود.

بورس اوراق بهادار تهران در بهمن ماه سال ۱۳۴۶ بر پایه قانون مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۴۵ تأسیس شد. دوران فعالیت بورس اوراق بهادار را می توان به چهار دوره تقسیم کرد: دوره نخست (۱۳۵۷-۱۳۴۶) تصویب قانون گسترش مالکیت سهام واحدهای تولیدی در اردیبهشت ۱۳۵۴ که به موجب آن مؤسسات خصوصی و دولتی موظف شدند به ترتیب ۴۹٪ و ۹۴٪ سهام خود را به شهروندان عرضه نمایند. دوره دوم (۱۳۶۷-۱۳۵۸) در این دوره تشکیل سازمان حسابرسی کشور در سال ۱۳۶۲ بود. این سازمان وظیفه تدوین اصول و ضوابط فنی قابل قبول حسابداری و حسابرسی در ایران را عهده دار شد. دوره سوم (۱۳۸۳-۱۳۶۸) با پایان یافتن جنگ، در چارچوب برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تجدید فعالیت بورس اوراق بهادار تهران به عنوان زمینه ای برای اجرای سیاست های خصوصی سازی مورد توجه قرار گرفت. و دوره چهارم (از ۱۳۸۴ تاکنون) در سال ۱۳۸۴، نماگرهای مختلف فعالیت بورس اوراق بهادار در ادامه روند حرکتی نیمه دوم سال ۱۳۸۳، همچنان تحت تأثیر رویدادهای مختلف داخلی و خارجی و افزایش بی رویه شاخص ها در سال های قبل، از روندی کاهشی برخوردار بودند و این روند، به جز دوره کوتاهی در آذرماه تا پایان سال قابل ملاحظه بود. به هر حال از آذرماه سال ۱۳۸۴، سیاست ها و تلاش دولت و سازمان بورس باعث کند شدن سرعت روند کاهشی معیارهای فعالیت بورس شد.

سازمان حسابرسی کشور پس از تشکیل در سال ۱۳۶۲ وظیفه تدوین اصول و ضوابط فنی قابل قبول حسابداری و حسابرسی در ایران را عهده دار شد. سازمان حسابرسی جهت تدوین استانداردهای حسابداری در سال ۱۳۷۱ کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری را تشکیل

داد. رهنمودهای حسابداری تدوین شده از سوی آن کمیته پس از نظرخواهی و تصویب مراجع ذیصلاح در سال ۱۳۷۸ برای مدت ۲ سال لازم الاجرا شد. طی این مدت کمیته تدوین رهنمودهای حسابداری بر اساس مصوبه هیات عامل سازمان به کمیته تدوین استانداردهای حسابداری تغییر نام داد. کمیته استانداردهای حسابداری (تا سال ۱۳۷۹) ۲۲ استاندارد در مجموع تصویب کرد. این استانداردها برای صورتهای مالی که شروع دوره مالی آنها از ۱۳۸۰/۱/۱ و بعد از آن لازم الاجرا می باشد. قبل از لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابداری در سال ۱۳۸۰، شرکت ها از استانداردهای بین المللی پیروی می کردند.

۲-۲- مروری بر ادبیات پژوهش

لو و زاروین^{۱۳} (۱۹۹۹) با آزمون هر دو مدل بازده و قیمت، طی زمان مشاهده کردند که در آمریکا درجه مربوط بودن متغیرهای اصلی حسابداری کاهش یافته است. همچنین، براون^{۱۴} و همکاران (۱۹۹۹) مطالعه کولینز^{۱۵} و همکارانش (۱۹۹۷) که مدل قیمت را در طول زمان بررسی کرده اند، تکرار نموده و نتیجه گرفتند پس از کنترل مقیاس، برخلاف کولینز و همکارانش (۱۹۹۷)، درجه مربوط بودن در آمریکا کاهش یافته است. آنها استنتاج کرده اند که الگوهای افزایش پذیر ضریب تعیین که در کولینز (۱۹۹۷) و فرانسیس و اسشپیر^{۱۶} (۱۹۹۶) با استفاده از مدل قیمت نشان داده شده است، به میزان زیادی به افزایش در اثر مقیاس، مربوط هستند. این اثر، کاهش در قدرت توضیحی داده های حسابداری را جبران می کند (تا^{۱۷}، ۲۰۰۳).

بنستن^{۱۸} (۱۹۸۰) در نتیجه گیری از تحقیق خود می نویسد: استانداردهای حسابداری موجب می شود که در عمل یکنواختی ایجاد شود و در نتیجه از یک طرف با گزارش های مالی سالانه بنگاه های اقتصادی قابل مقایسه می گردد و از طرف دیگر گزارش های مالی بنگاه های مختلف بر مبنای روش های یکسان تهیه می شود.

رامسی و ساتکلایف^{۱۹} (۱۹۸۶) میزان پیروی از قوانین و استانداردهای حسابداری را در شرکت های خصوصی استرالیا بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان می دهد، تخلفات و تعدی در شرکت های خصوصی حسابرسی

بارس (۲۰۰۸) ویژگی های ارقام حسابداری را برای شرکت هایی که استانداردهای بین المللی را به کار می برند، در مقایسه با شرکت هایی که این استانداردها را به کار نمی برند و متکی به استانداردهای داخلی هستند، مقایسه کرد. به طور کلی نتایج وی، بهبود در کیفیت اطلاعات حسابداری ناشی از بکارگیری استانداردهای بین المللی را نشان داد.

پژوهش های انجام شده در داخل کشور

براساس پژوهش نوروش (۱۳۸۱) بیانیه های حسابداری ایران، نمی تواند اهداف محوری استانداردهای بین المللی حسابداری (ارائه منصفانه صورت های مالی) را تامین کند. امیری (۱۳۸۳) نیز بیان می دارد که صورت های مالی تهیه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری اهداف گزارشگری مالی مندرج در مبانی نظری گزارشگری مالی را به صورت مطلوب فراهم نمی نماید، در حالیکه ویژگی های کیفی اطلاعات مندرج در مبانی نظری گزارشگری مالی را به صورت مطلوب فراهم می کند. همچنین، داورپناه (۱۳۸۳) مشاهده کرد استفاده -کنندگان، تفاوت قابل توجهی بین صورت های مالی میان دوره ای تهیه شده بر مبنای استاندارد حسابداری شماره ۲۲ ایران و گزارش های مالی میان دوره ای طبق الزامات سابق بورس، قائل نشده اند. اما برخلاف این موارد، کریمی (۱۳۸۳) نتیجه گیری می کند که استانداردهای ایران در گزارشگری مالی مفید واقع شده است. خاکساری (۱۳۸۷) در یک پژوهش مبتنی بر بازار، نتیجه گرفت که رابطه معنی داری بین اجزای اصلی صورت جریان وجوه نقد، هم در مدل سه بخشی و هم در مدل پنج بخشی با بازده سهام وجود ندارد.

ثقفی و ابراهیمی (۱۳۸۸) در پژوهش خود، افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری را بعد از تدوین استانداردهای حسابداری ایران با استفاده از معیارهای پایداری سود، ضریب واکنش سود، کیفیت اقلام تعهدی و مدل قیمت طی دوره زمانی ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۲ ارزیابی نموده اند. نتیجه آزمون ها نشان داده است اجرای استانداردها تنها در مدل پایداری سود، با بهبود نسبی پایداری اضافی، همراه بوده است.

نشده بیشتر است. سوزان فیلیپس^{۲۰} (۱۹۹۶) به بررسی اثر استانداردهای حسابداری و حسابرسی بر نظارت بانکی پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان می دهد که استانداردهای حسابداری به دلیل این که نقش اصلی را در تهیه گزارش های مالی قانونمند دارند، برای مؤسسات بانکی با اهمیت می باشند و تأثیر قابل ملاحظه ای در فراهم نمودن اطلاعات نظارتی بانکها دارند. فوستر و نیل^{۲۱} (۱۹۹۸) طی تحقیقی به بررسی آثار اقتصادی استانداردهای حسابداری بر بازار سرمایه پرداختند. کول بک و وارفیلد^{۲۲} (۲۰۰۵) تأثیر استانداردهای مبتنی بر اصول را بر کیفیت حسابداری مورد مطالعه قرار دادند. به طور کلی نتیجه آنها حاکی از افزایش کیفیت حسابداری از منظر تحلیل گران و سرمایه گذاران بود. با این وجود، بررسی کیفیت حسابداری مبتنی بر ویژگی های حسابداری، کاهش در پایداری را نتیجه داد. این دو محقق هم چنین در سال ۲۰۰۸، به بررسی اثر استانداردهای حسابداری بر کیفیت حسابداری پرداختند. در مجموع، شواهد آنها برای نتیجه گیری کلی گوناگون بود. به طور نمونه، ضرایب واکنش سود و کیفیت اقلام تعهدی مطابق با تمرکز بر رویکرد ترازنامه ای و توان تبیین مدل های ارزشیابی کاهش یافته بود.

بارس و همکاران (۲۰۰۷) که در مورد بیست و یک کشور تحقیق نموده اند، در مجموع شواهدی از بهبود در کیفیت حسابداری را بین دوره های قبل و بعد از قبول استانداردهای بین المللی حسابداری مشاهده کرده اند. برخلاف این موارد، نتیجه آزمون مدل قیمت تحقیق موریز و کرتو^{۲۳} (۲۰۰۸) نشان دهنده کاهش در درجه مربوط بودن اطلاعات حسابداری پس از اجرای استانداردهای بین المللی حسابداری در کشور پرتغال است. آنان بیان می کنند که استانداردهای بین المللی حسابداری در محیط هایی که عمل حسابداری به طور خاص با بخش خصوصی ارتباط دارد توسعه یافته اند و قواعد حسابداری تحت تاثیر الزامات مالیاتی نیست. در حالیکه در کشور پرتغال، گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی مرتبط است، بانکها نقش اصلی در تامین مالی دارند و دسترسی خاص به اطلاعات داخلی وجود دارد.

۱) شرکت منتخب از ابتدای سال ۱۳۸۳ در بورس پذیرفته شده باشند.

۲) صورت‌های مالی و سایر داده‌های مورد نیاز پژوهشی از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در دسترس باشد.

۳) وقفه معاملاتی بیش از سه ماه در محدوده تعیین شده وجود نداشته باشند.

۴) شرکت برگزیده متعلق به صنایع بورسی «بانک‌ها، مؤسسات اعتباری و سایر نهادهای پولی»، «سایر واسطه‌گری‌های مالی»، «سرمایه‌گذاری‌های مالی» و «شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی» نباشد.

باتوجه به شرایط اشاره شده در بالا، از مجموع شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تعداد ۷۳ شرکت به عنوان نمونه تحقیق استفاده شده است.

برای دستیابی به قیمت‌های روزانه سهام شرکتها از اطلاعات پایگاه داده موجود در سایتهای رسمی بورس اوراق بهادار از جمله www.irbourse.com و www.rdis.ir و برای جمع آوری سایر اطلاعات از سایت codal.ir استفاده شده است. در نهایت تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS انجام شده است.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

در این پژوهش، برای دسته بندی داده ها و انجام محاسبات بر روی آنها از نرم افزار Excel استفاده شده است. همچنین، برای انجام رگرسیونهای لازم، نرم افزار SPSS به کار رفته است. در نگاره (۱) نمای کلی داده ها، شامل: میانگین، انحراف معیار، میانه، چارک اول و چارک سوم متغیرهای محاسبه شده به منظور آزمون فرضیه ها، عرضه شده است.

مدل ارزشگذاری بر اساس قیمت به توصیف رابطه بین سود و قیمت می پردازد. برای مثال بارس و بیور (۱۹۹۸)، برگستالر^{۳۱} (۱۹۹۷) و السن (۱۹۹۵). این مدل توسط هانگ و سابرامانیا^{۳۲} در سال ۲۰۰۷ برای بازارهای توسعه یافته و توسط سامی و زو^{۳۳} (۲۰۰۴) و پارترکنسی^{۳۴} (۲۰۰۶) در خصوص بازارهای تازه تاسیس مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین از مدل قیمت-سود مطابق رابطه (۲) استفاده شده است:

$$P_{it} = a_0 + a_1 EPS_{it} + a_2 BVPS_{it} + e \quad \text{رابطه (۲)}$$

P_{it} در پایان تیر ماه سال مالی آقیمت سهام شرکت $t+1$ در سال آسود هر سهم گزارش شده برای شرکت t EPS_{it} ارزش دفتری هر سهم گزارش شده برای شرکت t $BVPS_{it}$ در پایان سال مالی i

e = خطا

همچنین جهت آزمون فرضیه دوم شرکت‌ها به دو دسته بزرگ و کوچک تقسیم شدند، که برای این امر از میانه لگاریتم جمع داراییها (۱۳/۶۵) استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول انتظار می رود ضریب رگرسیونی بین $\Delta Earnings_{it}$ و $BVPS_{it}$ و EPS_{it} در سطح قراردادی، در صورتیکه اطلاعات حسابداری تهیه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری ایران دارای ارزش محتوایی باشد، مثبت و معنادار باشد.

جامعه آماری تحقیق از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل شده و قلمرو زمانی تحقیق به صورت یک دوره شش ساله از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۰ تعریف شده است. همچنین، نمونه آماری به روش حذفی وبا در نظر گرفتن معیارهای چهارگانه زیر انتخاب شده است:

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانہ	چارک اول	چارک سوم
Returns	۰,۶۳۹۷	۰,۸۱۳۱	-۰,۰۸۶۲	-۰,۲۷۲۲	۰,۱۹۴۵
Earns	۰,۱۵۸۶	۰,۲۳۲۵	۰,۱۵۶۶	۰,۰۸۹۹	۰,۲۳۸۸
$\Delta Earn$	-۰,۰۰۵۶	۰,۲۴۷۱	-۰,۰۰۳۳	-۰,۰۶۲۳	۰,۰۴۱۸
Pit	۶۱۳۱	۶۴۷۹	۴۴۹۹	۱۷۷۰	۸۱۸۶
EPS	۹۹۹	۱۱۲۴	۷۵۴	۳۴۴	۱۴۴۳
BVPS	۲۳۲۳	۱۴۳۹	۲۰۴۴	۱۴۴۳	۲۹۰۶

۲-۵- آمار استنباطی

جهت سنجش معنادار بودن هر یک از متغیرهای توضیحی در مدل از آزمون t و جهت آزمون معنادار بودن کل معادله رگرسیون از آماره F استفاده شده است. همچنین به منظور بررسی استقلال خطاها (تفاوت مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی شده توسط معادله رگرسیون) آزمون دوربین-واتسون به کار برده شده است.

بررسی نرمال بودن متغیر وابسته

یکی از روش‌های بررسی نرمال بودن متغیر وابسته، انجام آزمون کولموگوروف-اسمیرنوفمی باشد. نتایج اولیه در مورد توزیع متغیر وابسته حاکی از رد شدن فرضیه H_0 آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف مبنی بر نرمال بودن آن بود. برای انجام تبدیلاتی جهت نرمال نمودن توزیع این متغیر از تبدیل جانسون^{۳۵} در نرم افزار Minitab استفاده شده است. نتایج مربوط به این آزمون در نگاره (۲) ارائه شده است. با توجه به اینکه سطح معنی داری این آزمون بیشتر از ۵ درصد است، فرض نرمال بودن متغیر وابسته تایید می‌شود.

نگاره (۲): نتایج آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف

Pit	Returns	تعداد	
511	511		
0.02	-0.01	میانگین	پارامترهای توزیع نرمال
1.02	1.01	انحراف معیار	
0.03	0.02	قدر مطلق	بیشترین انحراف
0.03	0.02	مثبت	
-0.03	-0.02	منفی	
0.75	0.56	کولموگوروف-اسمیرنوف	
0.62	0.91	سطح معنی داری	

آزمون فرضیه اول:

باتوجه به نگاره شماره (۳)، متغیرهای مستقل Earn و Δ Earn دارای رابطه مثبت و معنادار با بازده می باشند. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که ۸/۵٪ تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل الگو قابل تبیین است. با توجه به نگاره زیر، آماره دوربین-واتسون ۱،۶۴۴ می باشد که نشان می‌دهد بین جمله‌های خطای مدل معرفی‌شده، همبستگی وجود ندارد. از سوی دیگر، معنادار بودن آماره F حاکی از آن است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل مدل دارای رابطه خطی با متغیر وابسته می‌باشد، به عبارتی دیگر رگرسیون برازش‌شده در کل معنادار است و می‌توان بر آن اتکا کرد.

باتوجه به نگاره (۴)، متغیرهای مستقل مدل دارای رابطه مثبت و معناداری با متغیر وابسته مدل می باشند. همچنین، ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد که ۵۲/۶٪ تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل مدل قابل تبیین می‌باشد. آماره دوربین-واتسون ۱/۵۸۴ می باشد که نشان می‌دهد بین جمله‌های خطای مدل معرفی‌شده، همبستگی وجود ندارد. از سوی دیگر، معنادار بودن آماره F حاکی از آن است که الگوی رگرسیون برازش‌شده در کل، معنادار است و می‌توان بر آن اتکا کرد. با توجه به موارد ذکر شده، فرضیه اول، رد می‌شود. به عبارتی دیگر، اطلاعات ارائه شده براساس استانداردهای حسابداری ایران دارای محتوای اطلاعاتی می باشد.

نگاره (۳): نتایج برازش مدل بازده

$Returns_{it} = \phi + \phi_1 Earnings_{it} + \phi_2 \Delta earnings_{it} + \eta$				
متغیر توضیحی	ضریب	Std. Error	آماره t-	سطح معنی داری
Earnings _{it}	۰،۶۱۵	۰،۲۱۶	۲،۸۵۲	۰،۰۰۵
$\Delta earnings_{it}$	۰،۴۷۵	۰،۲۰۳	۲،۳۳۹	۰،۰۲
C	-۰،۰۳۱	۰،۰۴۹	-۰،۶۳۰	۰،۵۲۱
ضریب تعیین	۰،۰۸۸			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰،۰۸۵			
آماره F	۲۴،۷۳	آماره دوربین-واتسون	۱،۶۴۴	
Prob(F-statistic)	۰			

نگاره (۴): مدل ارزشگذاری بر اساس قیمت

$P_{it} = a_0 + a_1EPS_{it} + a_2BVPS_{it} + e$				
سطح معنی داری	آماره t-	Std. Error	ضریب	متغیر توضیحی
۰,۰۰۰	۱۴,۵۴۰	۰,۲۲۷	۳,۳	EPS _{it}
۰,۰۱۰	۲,۵۹۱	۰,۱۹۰	۰,۴۹۳	BVPS _{it}
۰,۰۰۰	۴,۰۶۵	۳۵۳,۹۳۳	۱۴۳۸,۷۴۷	C
			۰,۵۲۸	ضریب تعیین
			۰,۵۲۶	ضریب تعیین تعدیل شده
	۱,۵۸۴	آماره دوربین-واتسون	۲۷۶	آماره F
			۰,۰۰۰	Prob(F-statistic)

آزمون فرضیه دوم:

تحقیقات قبلی نشان می دهد که اطلاعات حسابداری برای شرکتها با اندازه های کوچک نسبت به شرکت های بزرگ دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری می باشد، زیرا منابع اطلاعاتی بیشتری راجع به شرکت های بزرگ در بازار موجود می باشد (چن، ۲۰۰۱؛ مبارک و حسن، ۲۰۰۶). بدین منظور نمونه را به دو قسمت شرکت های بزرگ و شرکت های کوچک تقسیم کردیم. برای تقسیم شرکت ها از میانه لگاریتم دارایی ها (۱۳/۶۵) استفاده شده است.

با توجه به نگاره فوق، مشاهده می شود که برای شرکت های با اندازه بزرگ متغیر Earnings دارای رابطه مثبت و معناداری با بازده می باشد، اما متغیر $\Delta Earnings$ در سطح معناداری ۵٪ دارای رابطه معناداری با متغیر مستقل نمی باشد. در حالی که همین متغیرها برای شرکت های کوچک دارای رابطه مثبت و معناداری با بازده می باشند. همچنین با توجه به معنادار آماره دوربین واتسون برای شرکت های بزرگ و کوچک برای مدل اول، بین جمله های خطای مدل معرفی شده، همبستگی وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده برای شرکت های بزرگ ۰/۰۲۲ می باشد که نشان می دهد ۲/۲٪ از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل الگو قابل تبیین است، در حالیکه این ضریب برای شرکت های کوچک

۰/۱۶۴ می باشد. همچنین در مدل دوم، برای شرکت های بزرگ، متغیر EPS رابطه مثبت و معناداری با P_{it} دارد، اما متغیر مستقل BVPS رابطه منفی و بامعنایی با متغیر وابسته مدل دارد. در حالیکه همین متغیرها برای شرکت های کوچک دارای رابطه مثبت و معناداری با متغیر وابسته مدل هستند. همچنین لازم به ذکر است که ضریب تعیین تعدیل شده برای شرکت های کوچک ۰/۴۶۴ می باشد، اما این ضریب برای شرکت های بزرگ ۰/۳۸۳ می باشد. با توجه به موارد ذکر شده، می توان نتیجه گرفت که اطلاعات حسابداری عرضه شده توسط شرکت های کوچک نسبت به شرکت های بزرگ دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری می باشند. که این یافته مشابه با یافته چن (۲۰۰۱) می باشد. با توجه به مطالب بیان شده فرضیه دوم تایید می شود.

نگاره (۵): تحلیل بر اساس شرکت های بزرگ و کوچک

	Returns _{it} = $\phi_0 + \phi_1 \text{Earnings}_{it} + \phi_2 \Delta \text{Earnings}_{it} + \eta$			Adjusted R Square	Durbin-Watson
	ϕ_0	ϕ_1	ϕ_2		
بزرگ	-۰,۰۸۱	۰,۳۷۸	۰,۰۶۶	۰,۰۲۲	۱,۶۱۹
کوچک	-۰,۸۲۵	۰,۷۱۷	۱,۳۱	۰,۱۶۴	۱,۷۹۶
	P _{it} = $a_0 + a_1 \text{EPS}_{it} + a_2 \text{BVPS}_{it} + e$			Adjusted R Square	Durbin-Watson
	a ₀	a ₁	a ₂		
بزرگ	۴۱۷۵	۴,۶۴۶	-۰,۹۲۵	۰,۳۸۳	۲,۰۳۳
کوچک	۱۳۲۰	۲,۶۱۹	۰,۶۲۶	۰,۴۶۴	۱,۹۸۳

۶- نتیجه گیری و بحث

هدف از این پژوهش بررسی ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری گزارش شده بر اساس استانداردهای حسابداری ایران در بازار بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در این راستا از هر دو مدل بازده و قیمت استفاده شد (زیممن و کتاری^{۳۶}، ۱۹۹۵).

گردآوری داده ها بر اساس مدل فاما و فرنچ صورت گرفت، هر چند در مدل مذکور متغیر سود هر سهم در هر دوازده ماه گزارش، جمع آوری می شود اما در پژوهش حاضر به دلیل عدم گزارش سود ماهانه و حتی بی نظمی در گزارش سود حسابرسی شده شش ماه، از سود حسابرسی شده سالانه استفاده شد.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد که اطلاعات حسابداری ارائه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری ایران دارای ارزش محتوای اطلاعاتی می باشد. نتایج پژوهش بیانگر این بود که میزان ارزش محتوایی با گذشت زمان سیر یکنواختی نداشته است بنابراین می توان اینگونه برداشت نمود که روند فعالیت های هیئت تدوین استانداردهای حسابداری و اصلاح استانداردها در طی سال های مورد بررسی باعث افزایش ارزش محتوایی اطلاعات گزارش شده بر اساس این استانداردها نشده است. به عبارتی دیگر، فرضیه اول تحقیق رد شد.

همچنین نتایج بررسی فرضیه دوم نشان داد که اطلاعات حسابداری ارائه شده توسط شرکت های کوچک نسبت به شرکت های بزرگ دارای ارزش اطلاعاتی بیشتری

می باشند. به عقیده گروه پژوهش یکی از علت های چنین نتیجه ای می تواند این باشد که اطلاعات شرکت های بزرگ قبل از انتشار رسمی در بازار وجود دارد، بنابراین قبل از انتشار صورت های مالی حسابرسی شده اطلاعاتی که قبلاً به خارج از شرکت نفوذ کرده است تا اندازه قابل توجهی تاثیر خود را بر بازار سهام گذاشته است. اما این مساله در خصوص شرکت ها کوچک صدق نمی کند. در ضمن این یافته با نتیجه پژوهش مبارک و حسن (۲۰۰۶) مطابقت دارد.

برای پژوهش های آینده پیشنهاد می گردد که نتایج رگرسیون های سالانه نشان می دهد که با وجود تجدید نظر مستمر در استانداردهای لازم و تلاش برای بهبود، ارزش محتوایی اطلاعات حسابداری ارائه شده بر مبنای استانداردهای حسابداری ایران در طی سال های مورد رسیدگی دارای نوسان شدید می باشد، بنابراین پیشنهاد می شود در پژوهشی به بررسی علت این نوسان پرداخته شود.

همچنین با توجه به اینکه حرکت به سوی استانداردهای بین المللی در دستور کار کمیته تدوین استانداردهای حسابداری قرار گرفته است، پیشنهاد می شود در پژوهشی به بررسی مزایای این همسو شدن پرداخته شود.

فهرست منابع

* ثقفی، علی و ابراهیم ابراهیمی، (۱۳۸۸). " رابطه تدوین استانداردهای حسابداری با کیفیت اطلاعات

- restrict earningsmanagement. The Accounting Review, 80, 1101-1124.
- * Fama, E. F., & French, K. R. (1992). "The cross-section of expected stock returns", The Journal of Finance, 47(2), 427-465.
 - * Foster, John & M. Neel. (1993). " the FASB and Capital Markets", Journal of Accounting and Economics, No 3, 50 - 59.
 - * Kohlbeck Mark, Warfield Terry. "The Effects of Principles-Based Accounting Standards on Accounting Quality 2005"; SSRN Website.
 - * Kholbek, M. and warfield, T., (2008) "The Effects of accounting standard setting on Accounting Quality", Research paper, Florida Atlantic University.
 - * Liu, J., & Liu, C. (2007). Value relevance of accounting information in different stock market segments: The case of Chinese A-, B- and H-shares. Journal of International Accounting Research, 6, 55-81.
 - * Morais, A.I. and Curto, J.D., (2008) "Accounting quality and the adoption of IASB standards- Portuguese evidence", R. Cont. Fin. • USP • São Paulo, Vol. 19, No. 48, pp. 103 - 111, setembro/dezembro.
 - * Ohlson, J. (1995). Earnings, book values and dividends in quality valuations. Contemporary Accounting Research, 11, 661-688.
 - * Ota, k., (2003) "The Impact of price and Return Models on Value Relevance studies: A Review of Theory and Evidence", Accounting Research Journal, Vol. 16, No.1, pp. 6-20.
 - * Philips, Susan M. (1996). "Accounting and Auditing Standards and Bank Supervision", Journal of Accounting Research, 32. Autumn, 55 - 64.
 - * Ramsy, A.I., Sutcliffe, p. (1968) "Financial Reporting by proprietary companies", Australian accountant, vol. 56(6), pp 5-48.
 - * Sami, H., & Zhou, H. (2004). A comparison of value relevance of accounting information in different segments of the Chinese stock market. The International Journal of Accounting, 39, 403-427.
 - * Soderstrom, N. S., & Sun, K. J. (2007). IFRS adoption and accounting quality: A review. European Accounting Review, 16, 675-702.
 - * Squalli, J. (2006). A non-parametric assessment of weak-form efficiency in the UAE financial markets. Applied Financial Economics, 16, 1365-1373.
 - حسابداری"، فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، ص ص ۵۰-۳۳.
 - * عباس زاده، محمدرضا و حجت الله آتشی گلستانی، (۱۳۸۹). " متغیرهای حسابداری و پیش بینی بازده سهام، قبل و بعد از لازم الاجرا شدن استانداردهای حسابداری"، مجله دانش و توسعه، سال هجدهم، شماره ۳۳ س.
 - * نوروش، ایرج، (۱۳۸۱). "بررسی ارزش های فرهنگی در ایران و امکان دستیابی به هدف ارائه به نحو مطلوب استانداردهای بین المللی حسابداری". فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، سال نهم، شماره ۳۰، ص ص ۷۹-۵۹.
 - * Ali, A., & Hwang, L. S. (2000). Country-specific factors related to financial reporting and the value relevance of accounting data. Journal of Accounting Research, 38, 1-21.
 - * Barth, M. B., Beaver, W. H., & Landsman, W. R. (2001). "The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: another view". Journal of Accounting and Economics, 31, 77-104.
 - * Barth, M.E., Landsman, W.R. and Lang, M.H., (2007) "International Accounting Standards and Accounting Quality", Research paper, Stanford University, Graduate school of Business.
 - * Barth, M. E., Landsman, W. R., & Lang, M. (2008). International accounting standards and accounting quality. Journal of Accounting Research, 46, 467-498.
 - * Bartov, E., Goldberg, S., & Kim, M. (2005). Comparative value relevance among German, U.S. and International Accounting Standards: A German stock market perspective. Journal of Accounting, Auditing and Finance, 20, 95-119.
 - * Benston, Georgey. (1980). "The Establishment and Enforcement of Accounting Standard Method , Benefits and Costs", Accounting and Business Research, pp 4-35.
 - * Daske, H., Hail, L., Leuz, C., & Verdi, R. (2008). Mandatory IFRS reporting around the world: Early evidence on the economic consequences. Journal of Accounting Research, 46, 1085-1142.
 - * Easton, P. D., & Harris, T. S. (1991). Earnings as an explanatory variable for returns. Journal of Accounting Research, 29, 19-36.
 - * Ewert, R., & Wagenhofer, A. (2005). Economic effects of tightening accounting standards to

1. Barth et al
2. Ewert and Wagenhofer
3. Soderstrom & Sun
4. International Financial Reporting Standards
5. Generally Accepted Accounting Principles
6. Bartov
7. Liu & Liu
8. Daske & et al
9. Ali and Hwang
10. Easton and Harris
11. Ohlson
12. Fama and French
13. Lev and Zarowin
14. Brown
15. Collins
16. Francis and Schipper
17. Ota
18. Benston
19. Ramsy & Sutcliffe
20. Susan Philips
21. Foster & Neel
22. Kohlbeck & Warfield
23. Morais and Curto
24. Foster
25. Squalli
26. Chen
27. Mubarak, A., & Hassan, M.
28. Babalyan
29. Ball, R., & Brown, P
30. Bartov
31. Burgestahler
32. Hung, M., & Subramanyam, K. R.
33. Sami, H., & Zhou, H.
34. Prather-Kinsey, J.
35. Johnson Transformation
36. Kothari and Zimmerman